

فصلنامه علمی فقه و حقوق نوین

Print ISSN: 2717- 1469

Online ISSN: 2717 - 1477

نمایه در SID, Noormags, Magiran, ISC,

GoogleScholar, Ensani

www.jaml.ir

سال سوم، شماره دهم، صفحات ۱۷۳-۱۵۲

جایگاه نظم عمومی در اجرای احکام داورى تجارى بين‌المللى

روح الله افضلی | استادیار، عضو هیئت علمی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد جیرفت، کرمان، ایران

بهمن محمدی | کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشکده علوم انسانی و حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تبریز، تبریز، ایران

چکیده

داوری متداول‌ترین شیوهی حل و فصل اختلافات در حوزه تجارت بین‌الملل بوده و عبارت است از رفع اختلاف فی مابین اصحاب دعوی از طریق واگذاری آن به حکمیت اشخاصی که طرفین دعوی آنها را به توافق خود انتخاب می‌کنند و شامل دو مرحله رسیدگی به اختلاف و شناسایی و اجرای رأی می‌باشد. اما این هدف وقتی کامل تر می‌گردد که رأی معتبر بوده و قابلیت اجرایی داشته باشد برای این منظور رأی صادره از سوی مرجع داورى تجارى بین‌المللى پس از صدور، نیازمند این است که توسط مرجع اجرا کننده به رسمیت شناخته شود و به اجرا درآید. در این میان موانعی بر سر راه اجرای رأی وجود دارند که معیار نظم عمومی کلی‌ترین و برجسته‌ترین آنها است، چرا که معمولاً محکوم علیه رأی داورى با کمک نظم عمومی و با توسل به موجبات و موانعی که مورد حمایت قانونگذار و اسناد و کنوانسیونهای بین‌المللی است تلاش می‌نماید تا از شناسایی و اجرای رأی خودداری نماید. نظم عمومی بین‌المللی نمایانگر مجموعه سازمان‌ها و قواعد حقوقی است که با مبانی و اصول تمدنی یک کشور ارتباطی ناگسستنی دارند و ناگزیر بر قوانین خارجی مقدم می‌شوند. این نظم یک نظم مشترک بین کلیه کشورها نیست، بلکه نقطه تعادل بین منافع و نظم عمومی یک کشور با نظم عمومی و منافع دیگر ملت‌ها و نیازهای تجارت بین‌الملل است. در رابطه با این که نظم عمومی در اجرای احکام داورى تجارى بین‌المللى از چه جایگاهی برخوردار است؟ میان جلوگیری از نقض ارزش‌ها و قوانین داخلی و تمایل به احترام نسبت به قطعیت احکام داورى بین‌المللى تعارض رخ می‌دهد که مناسب‌ترین راهکار رفع این تعارض، اعمال مفهوم مضیق نظم عمومی در این زمینه می‌باشد. البته دادگاه محل اجرای حکم در هر صورت در رابطه با اجرای احکام بین‌المللی، بایستی نظم عمومی بین‌المللی را اعمال کند و حتی یکسان بودن مقر داورى بین‌المللى با دادگاه اجرایی نمی‌تواند دلیل مناسبی برای اعمال نظم عمومی داخلی دادگاه اجرایی در این زمینه باشد. با این وجود و علیرغم جایگاه و اهمیت نظم عمومی در اجرای احکام داورى تجارى بین‌المللى، تمامی ملاحظات مربوط به نظم عمومی کشورها در اجرای احکام داورى‌های تجارى بین‌المللى قابل اعمال نبوده و صرفاً نظم عمومی بین‌المللی کشور مربوطه و با تفسیر مضیق اعمال می‌گردد.

واژگان کلیدی: داورى تجارى بین‌المللى، اجرای رأی، نظم عمومی بین‌المللى، اجرای احکام داورى بین‌المللى.

طبقه‌بندی JEL: فقه - حقوق - جزا و جرم شناسی - حقوق بین‌الملل - حقوق خصوصی

۱ - مقدمه

شخص است و در اصطلاح حقوقی «فنی است که هدف آن حل و فصل یک مساله مربوط به روابط بین دو یا چند شخص است به وسیله یک یا چند شخص دیگر به نام داور یا داوران که اختیارات خود را از یک قرارداد خصوصی می‌گیرند و براساس آن قرارداد رأی می‌دهند بی‌آنکه دولت چنین وظیفه ای را به آنان محول کرده باشد» (رنه داوید، ۱۳۷۵: ۸۴)

طبق تعریف دیگر «داوری نهادی است که به موجب آن طرفین به داوران که خود آزادانه آن‌ها را منصوب کرده‌اند مأموریت حل و فصل اختلافاتشان را اعطا می‌کنند». تعاریف نویسندگان داخلی از داوری نیز با تعاریف فوق مشابه است. به عنوان مثال طبق یکی از این تعاریف «داوری عبارتست از فصل اختلاف بین طرفین در خارج از دادگاه به وسیله شخص یا اشخاصی که طرفین یا ثالث آن‌ها را در این جهت انتخاب نموده باشند» (شمس، ۱۳۸۵: ۵۱۵)

مرحوم دکتر متین دفتری نیز داوری (حاکمیت) را صرف نظر کردن افراد از مواجهه به دادگاه‌ها در دعوی مربوط به حقوق و منافع خصوصی خود و تسلیم شدن آن‌ها به حکومت اشخاصی دانسته است که از نظر معلومات و اطلاعات فنی و یا از نظر شهرت آن‌ها به درستکاری و امانت مورد اعتماد مخصوص آن‌ها هستند. داوری به عنوان یک تأسیس حقوقی، روشی است که اختلافات ارجاع شده را در خارج از دادگاه‌ها و به وسیله شخص یا اشخاصی که برگزیده طرفین اختلاف و یا منتسب به اداره طرفین هستند و به صورت توافقی حل و فصل می‌نماید. داوری به عنوان روش اختیاری حل اختلافات بسیار قدیمی‌تر از سازمان دادگستری است. داوری در حال حاضر پرکاربردترین شیوه جایگزین حل و فصل اختلاف و نزدیک‌ترین شیوه به شیوه دادگاهی و رسمی حل و فصل اختلافات است. داوری عبارت است از رفع اختلاف فی مابین اصحاب دعوی از طریق واگذاری آن به حکمیت اشخاصی که طرفین دعوی آن‌ها را به توافق خود انتخاب می‌کنند. گاهی داور، شخصیت حقیقی است یعنی طرفین قرارداد فردی را به عنوان داور انتخاب و در متن قرارداد به آن اشاره می‌کنند و گاهی نیز به صورت شخصیت

داوری امروزه بعنوان یکی از مهمترین شیوه‌های حل اختلاف شناخته می‌شود چرا که به لحاظ دارا بودن مزایای منحصر به فرد توانسته است که اشخاص را جهت حل اختلافات به سوی خود جلب نماید. این امر در بین بازرگانان به ویژه آنهایی که در سطح بین‌المللی فعالیت می‌کنند بسیار معمول و رایج است و به ندرت می‌توان تاجری را یافت که مایل باشد تا اختلافات به وجود آمده یا احتمالی، خود را از طریق دادگاه، بعنوان رایج ترین روش حل اختلاف یا طرق دیگر مثل میانجیگری یا سازش حل نماید مگر از طریق داوری. بدین ترتیب دراهمیت داوری شکی نیست. مهمترین مساله در هر کدام از روشهای فوق مربوط به مرحله اجرای رای می‌باشد و داوری نیز از این مهم استثناء نبوده است. در واقع آرای داوری‌های تجاری بین‌المللی می‌توانند، نه تنها طرفین داوری بلکه جامعه و نظم عمومی کشورها را نیز تحت تأثیر قرار دهند و حتی با آن‌ها در تعارض باشند. گرچه وجود مزایا و منافع کشورها در زمینه تجارت بین‌الملل، مستلزم تسهیل روند اجرای احکام داوری تجاری بین‌المللی، از سوی آن‌ها می‌باشد، اما باز هم باعث نمی‌شود که دولت‌ها از اعمال نظارت قضایی بر آرای داوری بین‌المللی در جهت صیانت از مصالح اساسی جامعه چشم‌پوشی کنند. نظم عمومی در خصوص دو کشور مقرر داوری و محل شناسایی و اجرای رأی مطرح می‌شود. کشور محل شناسایی و اجرای رأی می‌تواند به استناد مخالفت با نظم عمومی از شناسایی و اجرای رأی داوری استنکاف ورزد. بر این اساس این مطالعه با هدف بررسی و مطالعه جایگاه نظم عمومی در اجرای احکام داوری تجاری بین‌المللی انجام پذیرفته است.

○ تعریف داوری و انواع آن

در این بخش واژه داوری از جنبه‌های مختلف تعریف و توصیف شده و انواع آن بیان می‌شود:

○ تعریف داوری

داوری در لغت به معنای قضاوت و انصاف و حل و فصل دعوی میان مردم و قطع و فصل مرافعه دو یا چند

خارجی و یک تبعه داخلی ممکن است جنبه ی داخلی داشته باشد.

○ 1-1-2-2- داوری خارجی

هر رأی داوری صادره در یک داوری خارجی ضرورتاً برای کشورهای دیگر، یعنی کشورهایی غیر از کشوری که داوری در آن جریان داشته است، خارجی است. این قاعده ای کلی است که در اغلب کشورهای دنیا مورد عمل است. مع ذلک پاره ای قوانین آراء داوری صادر در خارج را نیز داخلی تلقی می کنند. مشروط بر اینکه قانون حاکم بر داوری در آنها قانون این کشورها باشد. نمونه بارز این راه حل را در انگلستان مشاهده می کنیم که مطابق سیستم حقوقی حاکم بر داوری آن آراء صادره در داوری های که قوانین انگلستان حاکم بر آیین داوری آنها است. آراء انگلیسی محسوب می شوند.

○ 1-1-2-3- داوری بین المللی

در کنار داوری داخلی و خارجی داوری بین المللی قرار دارد که ملاک تشخیص آن الزاماً این نیست که در خارج از قلمرو یک کشور جریان داشته یا نداشته باشد. در واقع یک رأی داوری بین المللی است حتی اگر در یک کشور خاص صادر شده باشد. قبل از هر چیز باید روشن کنیم که منظور ما از داوری بین المللی داوری موضوع حقوق بین المللی عمومی نیست. این گونه داوری که در رابطه با حاکمیت دولت ها انجام می شود قواعد خاص خود را دنبال می کند. آنچه مورد نظر ما است داوری تجاری بین المللی است که میان اشخاص خصوصی باشد یا اشخاص عمومی (دولت ها) اما داوری تجاری چه زمانی بین المللی است؟ در این خصوص ملاک قابل اعتمادی نمی توان ارائه نمود. ممکن است از نظر سیستم قضایی یک کشور، داوری زمانی بین المللی باشد که اختلاف موضوع داوری دارای یک عنصر خارجی باشد. در چنین فرضی اصحاب دعوی، نسبت به کشور محل داوری بیگانه اند (یعنی دارای تابعیت آن کشور نیستند) یا زمانی که داوری به یک سازمان داوری بین المللی (مانند مرکز بین المللی حل و فصل اختلافات ناشی از سرمایه گذاری) واگذار شده یا

حقوقی است؛ یعنی شرکت یا مؤسسه ای را به عنوان داور تعیین می کنند. نکته مهم در خصوص زمان انتخاب داور این است که انتخاب داور در هر مرحله ای اعم از زمان انعقاد قرارداد یا در زمان اجرای مفاد آن و حتی پس از طرح دعوی در دادگاه امکان پذیر است. از جمله محاسن ارجاع امر به داوری این است که انتخاب شیوه داوری برای حل و فصل اختلافات مالی، شراکتی و قراردادی کم هزینه بوده و رعایت تشریفات اداری و آیین دادرسی مدنی در آن الزامی نیست و از طرفی ارتباط طرفین و تعامل آنان با داور یا داوران نیز بهتر صورت می گیرد. علاوه بر آن، بررسی موضوع از سوی داوران راحت تر و نتیجه آن نیز بهتر است و از اطلاع دادرسی نیز جلوگیری می شود (مهاجری، ۱۳۷۸: ۵۷)

بنابراین داوری یعنی فصل خصومت وسیله اشخاص به بدین معنی که اصحاب دعوی به میل و اراده خود موافقت کنند که بجای آنکه دعوی آنان در مراجع صلاحیت دار دادگستری رسیدگی شود، حل اختلاف توسط افراد مورد اعتماد آنها صورت گیرد.

○ 1-1-2- انواع داوری

داوری به انواع مختلف داخلی، خارجی و بین المللی قابل تقسیم است که در این بخش به شناسایی آنها به طور اجمالی پرداخته می شود:

○ 1-1-2-1- داوری داخلی

یک داوری طبعاً داخلی است وقتی موضوع مورد اختلاف طرفین داوری منحصر به یک حاکمیت (کشور) مرتبط است. مهم نیست که اجرای رأی داور یا داوران در نهایت به خارج از سرزمین تحت حکومت کشوری کشانده شود. مثلاً در یک دعوی ارجاع شده به داوری در فرانسه بر سر خرید کالایی در فرانسه برای استفاده در این کشور، داوری داخلی برای کشور فرانسه است. حتی اگر به سبب وجود اموال بلژیکی در کشور خودش، مدعی فرانسوی ناچار نبود رأی داوری را برای اجرا در دادگاه های بلژیک مطرح کند. در تعیین خصیصه داخلی یک داوری، تابعیت طرفین نقشی ندارد. بنابراین، حتی یک داوری میان یک دولت



در رسیدگی دولتی معمولاً از آنجا که خواننده لزوماً به اقامه دعوی راضی نیست و علاوه بر آنان هیچ یک از طرفین حق انتخاب قاضی را ندارند، صدور رای گرچه ممکن است به معنی الزام به پایان اختلاف باشد. اما به معنی پایان خصومت نیست و معمولاً محکوم علیه همواره از رای ناراضی بوده و نهایتاً رای ایجاد کینه و خصومتی بیشتر از قبل نسبت به محکوم له در دل محکوم علیه می نماید.

اما از آنجا که دو طرف اختلاف به خصوص در رابطه بین تاجران، تنها اخذ رای به نفع خود نیست؛ بلکه در کنار اخذ رای، حفظ رابطه حسنه برای ادامه همکاری است. با رجوع به داوری، از آنجا که انتخاب داور و مقررات شکلی و ماهوی با توافق طرفین است، بنابراین، طرفین با رضای بیشتری به رای داور یا داوران منتخب خود گردن می نهند و صدور رأی باعث ایجاد خصومت و کینه ای که در صدور آرای محاکم قضایی مشاهده می شود، نمی گردد (همان، ۳۶).

○ 1-2-3-3- محرمانه بودن داوری

رسیدگی های قضایی و دولتی غالباً علنی است و این علنی بودن دادگاه ها و مراجع رسیدگی کننده در بسیاری از موارد برای طرفین دعوی ضررهای مادی و معنوی را به دنبال دارد. از جمله در دعاوی بازرگانی بسیاری از اسرار تجاری معامله، که دارای اهمیت فراوانی است مثلاً قیمت کالا یا تاریخ تحویل، فاش می شود. که برای طرفین و حتی اقتصاد داخلی کشور می تواند زیانبار باشد. همچنین علنی بودن دادرسی و حکم صادره از آن، می تواند منجر به سوء استفاده برخی افراد از حکم صادره بر علیه محکوم علیه و یا حتی بر علیه محکوم له شود. از طرفی برای خیلی از مردم حضور در دادگاه و پاسخ دادن به سوالات دادرسان به دلیل اینکه باید گاهی از اوقات دفاعات به طرح مسائلی بپردازند که جزء اسرار زندگی آنها است، بسیار ناگوار است. در حالی که در حضور داور یا داوران مورد وثوق و اعتماد خود، به راحتی می توانند همه ی ناگفتنی ها را بگویند و توضیحات لازم را در جهت روشن شدن داوران بیان دارند به خصوص اینکه این مطالب برخلاف جلسات دادگاه ها، در جایی درج و ضبط نمی شود؛ به دلیل رازداری و امانت داری داوران، مطالب

داوری تابع مقرراتی باشد که جنبه بین المللی دارند (سروری، ۱۳۸۶: ۸)

○ 1-2-1- مزایای داوری

داوری دارای مزیت های منحصر به فردی است که لزوم گسترش و بهره گیری از آنها را ضروری می نماید، در این مجال به برخی از این مزیت ها پرداخته شده است:

○ 1-2-1-1- عدالت و کارایی بهتر

بعضی اختلافات و دعاوی حقوقی، در بعضی از رشته های حقوق مانند حقوق قراردادها، از چنان پیچیدگی برخوردار است که فقط متخصصین و اهل فن می توانند نسبت به آن اختلاف اعلام نظر نمایند. رسیدگی های قضایی در این مورد نمی توانند عدالتی صحیح و مورد نظر را ایجاد نمایند. در داوری، این امکان وجود دارد که طرفین شخص یا اشخاصی که خود صاحب نظر و خبره در مورد اختلاف خود می دانند را به عنوان داور تعیین و اختلاف خود را به آنان ارجاع دهند. حداقل در داور مرضی طرفین به این دلیل که منتخب طرفین اختلاف می باشد و بالتبع طرفین سعی می کنند تا وی را از زیر و بم اختلاف، مطلع نمایند. در این صورت بدیهی است که رای صادره توسط وی کاملاً منطبق با واقعیات امر است و طبعاً به عدالت و انصاف هم نزدیکتر است در صورتی که در رسیدگی قضایی این حق انتخاب وجود ندارد و بدیهی است مورد اولی به ایجاد و اجرا عدالت نزدیکتر بوده و می باشد. در واقع قاضی «جاهل بین طرفین» است و اصحاب دعوی خودشان می دانند که حق با کیست.

ولی این قاضی است که علم و اطلاعی از اصل قضیه و مورد اختلاف ندارد و تنها بر اساس ادله ارائه شده توسط طرفین حکم صادر می کند و چه بسا موارد بسیاری بدلیل عدم رعایت و یا عدم اطلاع ارباب رجوع از مقررات حاکم بر موضوع متنازع فیه، دعوی محکوم به رد شود یا از اعتبار امر مختموم برخوردار شود (شمس، ۱۳۸۵: ۳۷)

○ 1-2-2- حل مسالمت آمیز اختلافات

خودشان راضی به این امر و ناشی از اراده طرفین می‌باشد (مهاجری، پیشین، ۴۹)

ویژگی سرعت در حل و فصل از طریق داوری، حتی از زمان حکومت کوروش نیز، مورد توجه حاکمان بوده است. بطوری که در زمان حکومت کوروش، مرجعی تحت عنوان «محکمه عالی» وجود داشت که از هفت قاضی تشکیل می‌شد و محکمه‌های محلی در سراسر کشور ایجاد می‌گردید. محاکمات از نظم و ترتیب خاصی پیروی می‌کرد. برای آن که کار محکمه طولانی نشود برای هر نوع محاکمه زمان معینی تعیین و همواره به طرفین پیشنهاد سازش از طریق داوری می‌گردید. البته لازم به یادآوری است؛ در اکثر موارد داوری داخلی، رأی داور بلافاصله از طرف محکوم علیه اجرا نمی‌شود و کار به اجرای اجباری رأی داور می‌کشد. یعنی محکوم له مجبور می‌شود که متوسل به قوه قهریه «قسمت اجرای دادگستری» شود. منتهی در جواب باید گفت که بسیاری از آرای صادره از محاکم، تجدید نظرخواهی شده و گاه به مرجع دیوان عالی کشور و منجر به ارجاع پرونده به دادگاه صادر کننده رأی و رسیدگی مجدد و حتی در برخی موارد طی چند رسیدگی منجر به صدور رأی، تحت عنوان رای وحدت رویه می‌شود، با این وصف نمی‌توان درخواست اجرای رأی داور از محاکم را به عنوان ضعف داوری دانست و ویژگی سرعت در حل و فصل این نهاد را، زیر سوال برد؛ به بیانی دیگر «از دست دادن، یک ساعت وقت بهتر از دو ساعت، می‌باشد». البته، در داوری‌های بین‌المللی، بیش از نود درصد آرای داوری طوعاً اجرا می‌شود (همان، ۵۰)

منتهی در رسیدگی‌های قضایی، با وجود تلاشی که در کاستن تشریفات دادرسی می‌شود، باز به جهت محدود بودن امکانات و طبع کار قضایی سرعت مورد نظر تحصیل نمی‌شود و گاهی اظهار نظر نهایی در اختلافی چند سال بطول می‌انجامد. در حالی که با داوری می‌توان همان اختلاف را در اندک مدت به نتیجه نهایی رساند. همین تسریع خود از جهت مالی نتایج مفیدی برای اصحاب دعوی دارد و از زیان‌های زیادی جلوگیری می‌کند. بنابراین رفع اختلاف از طریق دادگاه مدت مدیدی طول می‌کشد در حالیکه از طریق داوری، به

مطرح شده در جلسات داوری، نزد داوران محفوظ و مکتوم خواهد ماند و در خارج از محضر داوری، مطرح نخواهد شد. از جمله مسائلی که محرمانه بودن داوری را ممکن است محدود نماید، حق ورود شخص ثالث به داوری است. ماده ۲۶ ق.د.ت.ب در این رابطه مقرر داشته است: «هرگاه شخص ثالثی در موضوع داوری برای خود مستقلاً حقی قایل باشد و یا خود را در محق شدن یکی از طرفین ذی‌نفع بداند، می‌تواند مادام که ختم رسیدگی اعلام نشده است وارد داوری شود، مشروط بر اینکه موافقتنامه و آیین داوری و داور را بپذیرد و ورود وی مورد ایراد هیچ کدام از طرفین واقع نشود».

هر چند این ماده به نوعی محرمانه بودن، داوری را زیر سوال می‌برد، منتهی در جواب باید گفت که، چون ورود شخص ثالث به داوری مستلزم موافقت طرفین اصلی دعواست، لازمه چنین موافقتی، رضایت آن‌ها به در اختیار گذاردن کلیه اسناد و اطلاعات موجود در داوری برای شخص ثالث وارد شونده در اختلاف است. بنابراین هر نوع شرط محرمانه ماندن داوری و یا هر نوع توافقی که در مورد انتشار رای داوری و یا حضور بیگانگان در جلسات داوری ذکر شده باشد بایستی مورد پذیرش قبلی شخص ثالث قرار گیرد تا ورود شخص ثالث به داوری محقق گردد.

○ 1-2-4- سرعت در حل و فصل

معمولاً رسیدگی محاکم چند مرحله‌ای و در هر مرحله مستلزم رعایت تشریفات فراوان و طولانی است. منتهی تسریع در رسیدگی به اختلاف و صدور رأی توسط داور یا داوران، یکی از ویژگی‌های مثبت و بی‌تردید از محاسن تأسیس داوری است. در ضمن با توجه به تبصره ماده‌ی ۴۸۴ قانون آیین دادرسی مدنی، مدت داوری، سه ماه، خواهد بود، مسلم است که با مدت زمان رسیدگی به پرونده‌ها در دادگاه‌های دادگستری که گاه بیش از ۲۰ سال هم می‌انجامد و به طور متعارف به چند سال بالغ می‌شود، قابل مقایسه نیست. در جاییکه طرفین خودشان مدت داوری را طولانی تعیین می‌کنند؛ برخلاف رسیدگی‌های طولانی دادگاه‌ها،

همچنین برخی مفسرین نیز مفهوم نظم عمومی در کشورهای نظام حقوقی موضوعه را دارای قابلیت اعمال وسیع تری به نسبت نظام حقوقی کامن لا می دانند.

دومین نسبت در این خصوص مربوط به عامل زمان است و آن را «نسبت زمانی» نامیده اند. همان طور که اشاره شد ارزش ها و معیارهای جوامع ثابت نیستند و در طول زمان تغییر می کنند و به همین سبب نظم عمومی هم در زمان های مختلف، متفاوت است. به همین دلیل ممکن است امری که امروزه در یک کشور خاص برخلاف نظم عمومی تلقی می شود، چندین سال بعد امری عادی محسوب گردد یا بالعکس (همان، ۷۷)

متغیر بودن نظم عمومی به اقتضای زمان و مکان امری است مسلم؛ در ادامه برای تبیین بیشتر این موضوع به یکی از آراء دیوان دادگستری اروپا اشاره می شود که ضمن آن تصریح شده: «نظم عمومی مفهومی سرزمینی دارد (یعنی نظم عمومی خاص برای هر کشور عضو) که ممکن است در طول زمان متحول شود.» دیوان دادگستری اروپا تصدیق کرد: «کشورهای عضو می توانند مفهوم نظم عمومی خود را تغییر دهند، همان گونه که چنین تغییری با تحول اعضای جامعه و فعالیت هایشان ممکن است ضروری باشد. به این خاطر است که ما معمولاً می گوئیم که نظم عمومی نه تنها یک مفهوم سرزمینی (مناسب برای هر کشور) است بلکه همچنین یک مفهوم منطبق بر زمان است، هیچکس نمی داند نظم عمومی فردا چه خواهد بود.»

نسبت مکانی و زمانی مفهوم نظم عمومی در واقع به تنوع مفاهیم این اصطلاح در کشورها و جوامع مختلف، متناسب با شرایط فرهنگی، اجتماعی و اعتقادی آنها و نیز به تحول مفهوم آن در گذر زمان، که مقتضی تحولات جوامع بشری است، برمی گردد.

1-3-2- اقسام نظم عمومی

نویسندگان حقوقی قائل به تقسیم بندی های متفاوتی برای نظم عمومی شده اند. عده ای آن را به سه دسته «نظم عمومی ملی» و «نظم عمومی بین المللی» و «نظم فراملی» تقسیم

موضوع بسیار سریع رسیدگی می شود و اختلاف فیصله پیدا می کند بنابراین یکی از اهمیت و ارزش دآوری این است که طرفین اختلاف بدون توجه به تشریفات و مسایل پیچیده حقوقی در رسیدگی به دعاوی، می توانند توسط داور مرضی طرفین خود، اختلافشان را حل و فصل کنند (مهاجری، پیشین، ۵۱)

1-3- نظم عمومی

در این به بخش به مفهوم شناسی و نسبت مکانی و زمانی نظم عمومی به طور اجمالی پرداخته شده است:

1-3-1- نسبت مکانی و زمانی نظم عمومی

مفهوم نظم عمومی فاقد گستره شمول ثابت بوده و برحسب مقتضیات زمان و مکان متغیر است. در خصوص این که نظم عمومی مفهومی سیال و مبهم است، اتفاق نظر وجود دارد. از این رو تعیین ضابطه یکسان برای همه کشورها بسیار دشوار می باشد، در این حالت می توان به نسبت مفهوم نظم عمومی رسید.

یکی از وجوه نسبت نظم عمومی، «نسبت مکانی» آن است. بدین صورت که نظم عمومی از جامعه ای به جامعه ای دیگر چهره ی متفاوتی دارد. به عبارت دیگر این مفهوم در کشورهای مختلف یکسان نیست؛ در واقع باید اذعان داشت که، ممکن است رأیی در کشوری خاص قابلیت اجرا داشته باشد اما همان رأی از به سبب تعارض با نظم عمومی در کشوری دیگر، ابطال گردد.

در این میان برخی نظم عمومی را قبل از هر چیز وابسته به قضاوت یک جامعه خاص می دانند. به طور مثال می توان به اختلاف ناشی از تقسیم منافع حاصل از قمار اشاره کرد. رأی صادره در این خصوص در بسیاری از کشورها معتبر تلقی خواهد شد، در حالی که در بعضی کشورها به ویژه کشورهای اسلامی مغایر با نظم عمومی است. مورد دیگر اختلافات ناشی از مشروبات الکلی است. این مشروبات در کشورهای اسلامی ممنوع اند. در حالی که در کشورهای غیر اسلامی امری عادی و مشروع تلقی می شود. (ایران شاهی، ۱۳۹۰: ۷۶)



نظم عمومی جای داد، وجه ممیزه‌ی قواعد امری با نظم عمومی را در «منفعت عمومی» می‌دانند؛ و هر قاعده امری را به صرف آمره بودن نباید دارای خصیصه‌ی نظم عمومی بدانیم، بلکه با تفاوت قائل شدن میان این دو، باید معیار نظم عمومی را حفظ کرده و اجازه ندهیم اراده‌ی افراد آن را با خطر مواجه کنند (کسجیان، ۱۳۸۷: ۱۸۹). آنچه از نظر اخیر برداشت می‌شود این است که نظم عمومی را در نفع عمومی جستجو می‌کند؛ اگر چه طرفداران نظر دیگر هم هدف غایی و نهایی را به صورت غیرمستقیم، نشأت گرفته از منفعت عمومی می‌دانند. دیوان دادگستری اروپا در پرونده بوشرو، اصل مفهوم نظم عمومی کشورهای عضو اتحادیه را اینگونه توضیح می‌دهد: در تعیین نظم عمومی داخلی، هر کشور در چارچوب مصالح و منافع جامعه خود اقدام می‌کند. کشورها در این خصوص از آزادی عمل برخوردارند. این حق کشورها از سوی مراجع بین‌المللی نیز به رسمیت شناخته شده است. دیوان دادگستری اروپا در قضیه‌ای با بیان این که نظم عمومی مفهومی سرزمینی دارد، اعلام می‌دارد که کشورهای عضو جامعه اروپا مسئولیت منحصر به فرد را در تعریف نظم عمومی خود دارند. بر این اساس دیوان تصدیق می‌کند که کشورهای عضو می‌توانند مفهوم نظم عمومی خود را نیز تغییر دهند.

3-2-3-1 نظم عمومی بین‌المللی

به عنوان مقدمه برای تبیین مفهوم نظم عمومی بین‌المللی باید متذکر شد که دکترین نزاکت بین‌المللی اقتضا دارد که در مسائل تجاری بین‌المللی، قانون خارجی، خواه به خاطر تراضی طرفین و خواه به خاطر قواعد حل تعارض قوانین در کشور دیگر، اعمال گردد. اما هنگامی که قانونگذار اجازه می‌دهد که در یک فضای تجاری بین‌المللی قانون حکم خارجی اعمال شود، با مسائلی ناشناخته‌ای روبروست. هرگاه قاضی احراز کند که قانون یا حکم مذکور اگر چه علی‌الاصول قابلیت اعمال را دارد، اما با مفاهیم اساسی و غیر قابل چشم پوشی نظام حقوقی متبوعش در تعارض قرار دارد، آن قانون یا حکم خارجی را اعمال نخواهد کرد. بنابراین نظم عمومی بین‌المللی به تعبیری، «مجموعه سازمان‌ها و قواعد

کرده‌اند. برخی دیگر منکر وجود نظم عمومی فراملی شده و فقط تقسیم‌بندی «نظم عمومی داخلی» و «نظم عمومی بین‌المللی» را پذیرفته‌اند (الماسی ۱۸۶؛ ایرانشاهی، ۱۳۹۰: ۸۶) اما از نظر نگارنده جامع‌ترین و کامل‌ترین تقسیم‌بندی، آن است که در حقوق نوین و تفاسیر جدید، نظم عمومی را بر پایه احاطه‌ی قانونی بر آن به دو دسته‌ی «نظم عمومی ملی» و «نظم عمومی فراملی» تقسیم‌بندی می‌کنند (بنی‌هاشمی، ۱۳۸۹: ۱۱۷) با این توضیح که «نظم عمومی ملی» خود به سه دسته تحت عنوان «نظم عمومی داخلی» و «نظم عمومی بین‌المللی» و «قواعد انتظامی» تقسیم می‌شود.

1-2-3-1-2 نظم عمومی ملی

برای درک این قسم از نظم عمومی ضرورتاً باید به نظام حقوقی ملی یک کشور مراجعه کرد. نظم عمومی ملی هر کشور چه در روابط داخلی و چه در روابط بین‌المللی وابسته به اصول تملک و نظام حقوقی خاص همان کشور است و با نظم عمومی کشور دیگر متفاوت است. نظم عمومی ملی همان‌طور که در بالا گفته شد، به سه دسته قابل تقسیم است: «نظم عمومی داخلی»، «نظم عمومی بین‌المللی» و «قواعد انتظامی».

1-3-2-2 نظم عمومی داخلی

در خصوص این قسم از مفهوم مذکور آنچه همه بر آن توافق دارند، «آمره بودن» آن است. برخی معتقدند، نظم عمومی در حقوق داخلی به معنای رعایت «مطلق» قواعد امری است (نصیری، ۱۳۷۰: ۱۸۳) برخی نیز معتقدند نمی‌توان تمام قواعد آمره را در نظم عمومی داخلی جای داد (Bockstiegel:2008) در راستای نظر اخیر نظم عمومی داخلی هر کشور عبارتست از مجموعه قواعد آمره حاکم در آن کشور که در قوانین امری و اخلاق حسنه آن اجتماع وجود دارد. نظم عمومی در این مفهوم اعم از اخلاق حسنه بوده و شامل نظم دولتی و اداری، نظم قضایی، نظم اقتصادی، نظم سیاسی، نظم در اهلیت و احوال شخصیه می‌شود. البته این نظر از سوی برخی حقوقدانان خارجی مورد تأیید قرار نگرفته است. اما اکثر مفسرین حقوق داخلی ایران، قائل بر این نظر هستند. مخالفینی که معتقدند نمی‌توان هر قاعده‌ی امری را در قلمرو

مرجع رسیدگی کننده در اینگونه دعاوی بین‌المللی باید به مصادیق موجود در حقوق ملی متبوع خود مراجعه کند. در صورتی که نظم عمومی حقوق بین‌الملل عمومی، اصول و قواعدی کلی است که برای جامعه بین‌المللی از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است تا آنجا که هر عملی خلاف آن فاقد اعتبار لازم است. این اصول بنیادین در اسناد بین‌المللی مانند منشور سازمان ملل متحد درج شده است و در تصمیماتی که در سطح جهانی یا منطقه‌ای اتخاذ می‌شود به کار می‌رود (مانند اصل منع توسل به زور)؛ این اصول میان دولت‌های مختلف، مشترک بوده و در روابط بین‌المللی به عنوان قاعده آمره بین‌المللی پذیرفته شده است. برخی نویسندگان نیز مفهوم نظم عمومی مورد استفاده در حقوق بین‌الملل خصوصی و داوری‌های تجاری بین‌المللی را با مفهوم نظم عمومی بین‌المللی در حقوق بین‌الملل عمومی معادل دانسته‌اند. اما این‌گونه به نظر می‌رسد که هیچ ارتباط مستقیمی بین نظم عمومی در داوری‌های تجاری بین‌المللی و نظم عمومی حقوق بین‌الملل عمومی وجود ندارد. رسالت نظم عمومی ملی (که اعم از نظم عمومی داخلی و نظم عمومی بین‌المللی و قواعد انتظامی است) حفظ هنجارهای اساسی یک کشور خاص است، حتی اگر قاعده مورد نظر مختص همان کشور باشد. در واقع اساس این نظم را میزان اهمیت یک قاعده در یک کشور تشکیل می‌دهد؛ قاعده‌ای که تمام موانع تاب مقاومت در برابر آن را ندارند و در هر سطح و مرحله‌ای خود را تحمیل می‌کند (محمدی، ۱۴۰۱: ۳۷-۳۵)

○ 4-3-2-1 قواعد انتظامی

برخی نویسندگان از «قواعد انتظامی» به عنوان یکی از اقسام نظم عمومی ملی یاد می‌کنند. فایده قوانین مربوط به انتظامات برای یک جامعه خاص و معین به اندازه‌ای زیاد است که با قوانین و احکام خارجی قابل مقایسه نیستند و اصولاً به همین لحاظ قلمرو اجرای آن‌ها تابع و وابسته به هدف آن‌ها است. در حقوق عمومی قواعدی وجود دارد که تحت عناوینی از قبیل قواعد انتظامی یا قواعد عمومی یا انتظامات عمومی از آن یاد می‌شود و مراد از آن قواعدی است که رعایت آن لازمه حفظ و نگهداری سازمان سیاسی و

حقوقی است که چنان با مبانی و اصول تمدنی یک کشور مرتبط هستند که ناگزیر بر قوانین خارجی، مقدم می‌شوند. به تعبیر دیگر نظم عمومی بین‌المللی قسمتی محدود از نظم عمومی یک کشور است، که در سطح بین‌المللی اعمال می‌شود. از سویی نظم عمومی بین‌المللی یک کشور، به معنای مجموعه ارزش‌هایی است که جامعه نمی‌تواند نقض آن‌ها را حتی در عرصه بین‌المللی تحمل کند. نظم عمومی بین‌المللی (در مفهوم حقوق بین‌الملل خصوصی، نه حقوق بین‌الملل عمومی) به معنای نظم عمومی مشترک بین کلیه کشورها نیست بلکه برخی این نوع نظم عمومی را نقطه تعادل بین منافع و نظم عمومی یک کشور با نظم عمومی و منافع دیگر ملل و نیازهای تجارت بین‌الملل می‌دانند.

در مقام مقایسه میان موضوعات نظم عمومی بین‌المللی و نظم عمومی ملی، باید گفت که موضوعات قسم نخست محدودتر است. رابطه منطقی بین این دو نوع از اقسام این مفهوم، عموم و خصوص مطلق است، بدین معنا که تمامی مصادیق نظم عمومی بین‌المللی، مصادیقی از نظم عمومی ملی هستند اما کلیه مصادیق نظم عمومی ملی جزء نظم عمومی بین‌المللی به‌شمار نمی‌آیند. در واقع این‌گونه است که نظم عمومی بین‌المللی مفهوم و گستره‌ی شمول محدودتری نسبت به نظم عمومی ملی دارد و زیر مجموعه آن محسوب می‌شود و نتیجتاً اگر موضوعی در میان موضوعات نظم عمومی ملی ننگند، شامل حال نظم عمومی بین‌المللی هم نخواهد شد. یکی دیگر از موارد مهمی که در این قسمت باید مورد توجه قرار بگیرد، این است که نظم عمومی بین‌المللی در مفهوم حقوق بین‌الملل عمومی، جزئی از حقوق بین‌الملل عمومی است که در رابطه با تابعان حقوق بین‌الملل عمومی قابل اعمال می‌باشد، در صورتی که نظم عمومی بین‌المللی به مفهوم اولیه مورد نظر در داوری تجاری بین‌المللی، جزئی از حقوق بین‌الملل خصوصی و بخشی از نظم عمومی ملی است. در مفهوم مورد نظر در حقوق بین‌الملل خصوصی به تعداد کشورهای جهان نظم عمومی وجود دارد، اما در مفهوم نظم عمومی حقوق بین‌الملل عمومی فقط یک نظم وجود دارد. در حقیقت معیار نظم عمومی بین‌المللی در حقوق بین‌الملل خصوصی از کشوری به کشور دیگر متغیر است و

عمومی نزدیک می‌کند، اما با اندکی دقت درمی‌یابیم که نظم عمومی دسته اول در حوزه حقوق خصوصی است و نظم عمومی دسته دوم ناظر بر روابط دارای جنبه عمومی است و مربوط به تعهدات کشورها در عرصه بین‌المللی می‌باشد. برخی مفسرین مفهوم نظم عمومی فراملی را مورد پذیرش قرار نداده‌اند؛ چرا که معتقدند این مفهوم ظاهر مشخصی ندارد و ابهامات زیادی هنوز پیرامونش باقی است و چگونگی تمییز آن از انواع دیگر نظم عمومی واضح و روشن نیست. اما در مقابل حقوقدانانی چون «گلدمن» با تأیید وجود این نظم آن را یک نظم عمومی فرامری قلمداد کرده‌اند. از دیدگاه مدافعان نظم عمومی فراملی، این نوع نظم عمومی وقتی قابل اعمال است که موضوع داوری بین‌المللی تحت حاکمیت «حقوق بازرگانی فراملی» باشد. با وجود تمام امتیازاتی که نظم عمومی فراملی می‌تواند داشته باشد، اما مفسرین حقوقی کشورهای در حال توسعه، آن‌چنان به این وعده‌ی داشتن قوانین یکسان در سطح جهانی خوشبین نیستند؛ به طوری که برخی بر این باورند که ایده‌ی حقوق بازرگانی و نظم عمومی فراملی تلاشی است در راستای جا انداختن نیات و شگردهای بعضی کشورهای خاص و محدود برای تمام ملت‌ها و جا زدن آن در سطوح مختلف جهانی. مدعیان چنین نظمی به دنبال منافع کشورها و شرکت‌های مورد نظر خویش هستند و در پی تحمیل قواعدی به ملل ضعیف می‌باشند که منافع نامشروع مورد نظرشان را تأمین می‌کند. واقعیت این است که با وجود پیدایش مفهوم نظم عمومی فراملی و پذیرش آن از سوی برخی صاحب‌نظران و مراجع داوری، نمی‌توان جایگاه موجهی برای این قسم از نظم عمومی در رویه عملی قائل شد (همان، ۵۱)

○ 1-4- دامنه نظم عمومی

این موضوع به طور کلی پذیرفته شده است، که دامنه نظم عمومی، هم مسائل شکلی و هم ماهوی را در برمی‌گیرد:

○ 1-4-1- نظم عمومی شکلی

مفهوم نظم عمومی تشریفاتی و شکلی به صورت گسترده‌ای در سطح جهانی به رسمیت شناخته شده

است (Bockstiegel, op.cit., p. 7)

اقتصادی و اجتماعی کشور است؛ این قواعد می‌تواند مقررات ارزی و محدودیت‌های گمرکی و مالیاتی باشد که صرف‌نظر از قانون حاکم بر هر قرارداد تجاری بین‌المللی، باید از سوی دادرس یا داور مربوطه لحاظ شود. قاضی در برخورد با موارد مربوط به مغایرت با قواعد انتظامی، باید بین قوانین مربوط به انتظامات مقرر دادگاه و قانون یا حکم خارجی قائل به تفکیک شود. قوانین مربوط به انتظامات مقرر دادگاه چنان اولویت طبیعی دارند که باید در هر صورت اعمال و اجرا شوند (همان، ۳۹)

○ 1-3-2-5- نظم عمومی فراملی

در حوزه داوری تجاری بین‌المللی روز به روز تمایل به کنار گذاشتن قوانین و نظام‌های حقوق ملی رو به گسترش است، در این راستا در کنار ظهور مفهوم «قانون فراملی» می‌توان از پیدایش مفهوم جدیدی از نظم عمومی تحت عنوان «نظم عمومی فراملی» سخن راند. منظور از این اصطلاح، برخی اصول اساسی مشترک میان اغلب نظام‌های حقوقی و تجارت بین‌المللی است که مقبولیت عامه یافته و از آن به نظم عمومی فراملی تعبیر می‌شود.

تعاریف متعددی از سوی نویسندگان حقوقی در مورد نظم عمومی فراملی مطرح شده است که در اینجا به ذکر برخی از آن‌ها می‌پردازیم: عده‌ای، این نوع از نظم عمومی را شامل قواعد اساسی حقوق طبیعی، اصول عدالت جهانی، قواعد امره حقوق بین‌الملل عمومی و اصول کلی اخلاقی پذیرفته شده توسط آن‌چه که ملل متمدن خوانده می‌شود، می‌دانند (Albert Jan, 2007, p.361)

برخی دیگر نظم عمومی فراملی را معرف اجماع بین‌المللی در خصوص هنجارهای پذیرفته‌شده بین‌المللی می‌دانند. به این دیدگاه این‌گونه پاسخ داده شده است که اجماع بین‌المللی، حتی در بهترین حالات قابل بحث و مناقشه است و لذا نظم عمومی فراملی، حتی به فرض وجود، دقیقاً غیرقابل پیش‌بینی و تحقق و اعمال آن دشوار است. شاید این‌گونه به ذهن متبادر شود که تعاریف ارائه شده از نظم عمومی فراملی آن را بسیار به نظم عمومی حقوق بین‌الملل

و بخشی از مصادیق ماهوی نظم عمومی یک نظام حقوق ملی را تشکیل می‌دهد(جنیدی: ۲۶۸)

مصادیق نظم عمومی ماهوی از کشوری به کشور دیگر فرق می‌کند؛ اما مواردی است که در اکثریت نظام‌های حقوقی به عنوان خطر بزرگی برای منافع و مصلحت عمومی از آنها یاد می‌شود. از جمله این موارد تروریسم، قاچاق مواد مخدر، پول‌شویی، نسل‌کشی، قواعد مربوط به حمایت از منافع حیاتی دولت یا جامعه بین‌المللی، برخی قوانین تجارت خارجی و واردات و صادرات کالاهای خاص از جمله صدور سلاح یا دانش فنی برتر و همچنین محدودیت‌های ناظر بر تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد است. برخی محدودیت‌های ارزی که بیشتر کشورها برای جلوگیری از اقتصاد ناپایدار به آن پای‌بند هستند نیز در زمره این مصادیق به شمار می‌روند(افتخار جهرمی، ۱۳۷۲: ۶۹)

همچنین در مواردی که ثروت‌های ملی یا سنت‌های ملی مذهبی را خدشه‌دار می‌سازد؛ به قولی باعث جریحه‌دار شدن احساسات عمومی در یک جامعه می‌شود؛ همگی این موارد در تعارض با نظم عمومی ماهوی محسوب می‌شوند. برخی کشورها حتی نقض حسن نیت را هم در حوزه نظم عمومی ماهوی می‌دانند و نیز قراردادهایی که در آن‌ها رد و بدل پول‌های مشکوک هم چون رشوه گرفتن، نهفته است یا هر گونه فعالیت اقتصادی که با سیاست‌های بین‌المللی حقوق بشر هم‌سوء نباشد هم در این گستره جا دارد.(Gaillard & Savage, op.cit., p.p.961-963) در خصوص نظم عمومی ماهوی در نظام حقوقی اسلام، برخی معتقدند که در زمینه داوریه‌های بین‌المللی مسائلی چون، معاملات ربوی، قمار، تعهدات غری و شانسی بیشتر مطرح است (Saleh, op.cit., p.348)

۵-۱- نظم عمومی مانع اجرای آرای داوریه تجاری بین‌المللی

معیار نظم عمومی به عنوان مانع اجرای رأی داوریه، به نوعی مؤید حق دادگاه‌های کشور محل اجرا در اعمال کنترل نهایی بر روند داوریه است. در این میان از یک سو تمایلی برای معطوف ساختن حاکمیت کشور نسبت به اجرای آرای داوریه که منجر به نقض ارزش‌ها و قوانین داخلی می‌شوند، وجود

از جمله مهم‌ترین مصادیق نظم عمومی شکلی در رابطه با داوریه، اصول داوریه منصفانه است که شامل، رفتار برابر با طرفین، تشکیل منصفانه دیوان داوریه، رعایت انصاف و عدالت در رسیدگی به دلایل و دفاعیات و لزوم رعایت بی‌طرفی داوران می‌باشد. از این‌رو داوریه که در آن اصول بنیادین عدالت تشریفاتی رعایت نشده باشد می‌تواند مغایر با نظم عمومی به‌شمار رود. دادگاه‌ها نیز در بیشتر مواقع مسائل مربوط به داوریه منصفانه را یک مسئله مرتبط با نظم عمومی محسوب می‌کنند (Gaillard & Savage, p.9⁵)

اصول داوریه منصفانه به دو مرحله تقسیم می‌شود: مرحله اول، به مسائل و ترتیبات قبل از جلسه رسیدگی مربوط می‌شود؛ این مرحله در قانون داخلی بسیاری از کشورها مورد نظر قرار گرفته است؛ اما در قوانینی که به طور اختصاصی به این موضوع نپرداخته یا اساساً تصریحی به موضوع منصفانه بودن به طور اخص نکرده‌اند، این قبیل اصول نقض شده را تحت زیر مجموعه‌ی عنوان عام «نظم عمومی» می‌توانند، مورد خطاب قرار دهند. مرحله دوم این قسمت به مرحله‌ی جلسات رسیدگی و حقوق طرفین در حین صدور رأی، استدلال و استناد هر رأی برمی‌گردد؛ لزوم استدلال و استناد در رأی در قوانین برخی کشورها در زمره ملاحظات نظم عمومی قرار گرفته است (Lu, May, op.cit., p.7⁵⁵)

۴-۲- نظم عمومی ماهوی

قواعد ماهوی، دارای مفهومی وسیع است و رد پای آن را در تمام شاخه‌های حقوق در یک نظام حقوقی می‌توان یافت. از میان مبانی امتناع از اجرای رأی، تنها مبانی نظم عمومی، آن هم در بخش مصادیق ماهوی راه را بر دادگاه‌های ملی جهت نظارت ماهوی و کنترل محتویات رأی داوریه می‌گشاید.

قابل داوریه بودن یکی از مهم‌ترین مصادیق ماهوی نظم عمومی در حوزه داوریه است. گرچه مسئله قابل داوریه بودن دعوی در اغلب اسناد بین‌المللی داوریه مانند کنوانسیون ژنو ۱۹۲۷ (بند دو ماده ۱) و کنوانسیون نیویورک (قسمت الف بند دو ماده ۵) به صورت مستقل از نظم عمومی مطرح گردیده است، ولی تحت مفهوم وسیع نظم عمومی در می‌آید

ندارد. از سوی دیگر تمایل به احترام نسبت به قطعیت آرای خارجی قرار دارد. از این رو قانون‌گذار و دادگاه باید به هر طریق تعارض موجود را حل نمایند. در راستای رفع این دوگانگی، برخی از قانون‌گذاران و دادگاه‌ها بر آن شده‌اند که مفهوم مضیق نظم عمومی را نسبت به آرای خارجی اعمال کنند. مفهوم مضیق نظم عمومی غالباً تحت عنوان نظم عمومی بین‌المللی به کار می‌رود. شایان ذکر است که بر سر محتوا و کاربرد آن در رویه عملی برای کشورها هنوز ابهاماتی موجود می‌باشد و قطعیتی حاصل نگردیده است.

○ 1-6-1- شناسایی احکام داوری بین‌المللی

اساساً هر حکمی از هر نهاد داوری بین‌المللی برای اجرا در یک نظام حقوقی ملی، نیازمند شناسایی است. «از لحاظ نظری، دو مفهوم شناسایی و اجرا کاملاً متفاوت از یکدیگر هستند. منظور از شناسایی رأی داوری این است که به رأی مزبور ارزشی مشابه با احکام صادره از دادگاه‌های کشور محل درخواست اجرا داده شود، در حالی که منظور از اجرا، متعهد نمودن و وا داشتن محکوم علیه به اجرای مفاد رأی است. شاید مهمترین هدف شناسایی این است که محکوم علیه از تحصیل حکم متعارض دیگر نسبت به همان دعوی منع گردد.» (نصیری، ۱۳۸۱: ۹۳)

کنوانسیون‌های بین‌المللی نیز در مقررات خود به هر دو فرآیند شناسایی و اجرا توجه داشته‌اند. برای مثال، در بند یک ماده یک کنوانسیون ۱۹۲۷ ژنو راجع به اجرای احکام داوری خارجی آمده است: «در قلمرو دول معظم متعاهدی که این کنوانسیون اعمال می‌شود، رأی داوری صادره متعاقب یک موافقتنامه ناظر به اختلافات موجود یا آتی... مشمول پروتکل ژنو... الزام‌آور شناخته شده و اجرا خواهد شد» در ادامه برای از بین بردن هرگونه تردید در مورد نیاز به تمیز بین شناسایی و اجرا، کنوانسیون مزبور در بند دو از ماده یک با استفاده از حرف ربط «یا» بین این دو اصطلاح، بیان می‌دارد: «جهت تحصیل شناسایی یا اجرا...» همچنین در بند یک ماده یک کنوانسیون ۱۹۵۸ نیویورک راجع به شناسایی و اجرای احکام داوری تجاری بین‌المللی نیز آمده است: «این کنوانسیون نسبت به شناسایی و اجرای آرای صادره در سرزمین کشوری غیر از کشور محل درخواست شناسایی و اجرا اعمال

ندارد. از سوی دیگر تمایل به احترام نسبت به قطعیت آرای خارجی قرار دارد. از این رو قانون‌گذار و دادگاه باید به هر طریق تعارض موجود را حل نمایند. در راستای رفع این دوگانگی، برخی از قانون‌گذاران و دادگاه‌ها بر آن شده‌اند که مفهوم مضیق نظم عمومی را نسبت به آرای خارجی اعمال کنند. مفهوم مضیق نظم عمومی غالباً تحت عنوان نظم عمومی بین‌المللی به کار می‌رود. شایان ذکر است که بر سر محتوا و کاربرد آن در رویه عملی برای کشورها هنوز ابهاماتی موجود می‌باشد و قطعیتی حاصل نگردیده است.

○ 1-6- شناسایی و اجرای احکام داوری بین‌المللی در پرتو نظم عمومی

به‌طور کلی در زمینه امور تجاری، مخصوصاً تجارت بین‌المللی، فواید روش داوری برای حل و فصل اختلافات، بر هیچ کس پوشیده نیست. امروزه کمتر تاجر بین‌المللی مایل به رجوع به مراجع قضایی ملی، برای حل و فصل اختلافات خود با سایر تجار و یا حتی کشورهاست.

قابل پیش بینی بودن قوانین و مقررات ماهوی و شکلی کشورها و متعاقباً وجود قابلیت تقلب و همچنین در کنار آن، عدم اطلاع تجار از قوانین کشورهای مختلف، ظن عدم بی‌طرفی و عدم امکان رسیدگی تخصصی و صنفی در دادگاه‌های ملی، عدم امکان حل مسالمت‌آمیز اختلافات در محاکم ملی در بسیاری از دعاوی تجاری بین‌المللی، طولانی و پرهزینه بودن رسیدگی در مراجع قضایی ملی، از یک طرف، و از طرف دیگر؛ رسیدگی تخصصی توسط داور یا داوران بین‌المللی، سرعت بالای رسیدگی در داوری، امکان حل مسالمت‌آمیز اختلافات و حفظ منافع طرفین-به دلیل انتخابی بودن داوران توسط طرفین-، باعث شده است که امروزه اکثریت دعاوی تجاری بین‌المللی از طریق داوری حل و فصل شود (مکرمی ۱۳۷۵: ۱۴۵)

علی‌رغم تمام فواید روش داوری برای حل و فصل اختلافات تجاری، لازم به یادآوری است که فرآیند مذکور شامل دو بخش رسیدگی به اختلاف و اجرای رأی است. اگرچه اصولاً در قسمت نخست دادگاه‌های ملی دخالتی نخواهند داشت، اما نقش این دادگاه‌ها و نظام حقوقی کشورها

چنین وضعیتی امکانپذیر نخواهد بود بلکه تنها در فرض تمایز آنها است که امکان چنین وضعیتی وجود خواهد داشت. معتبر شناختن حکم اگرچه برای رسیدگی به درخواست صدور دستور اجرا امری ضروری است، اما الزاماً اجرا نشدن رأی داور به دلیل عدم شناسایی رأی نخواهد بود، بلکه ممکن است علی‌رغم معتبر شناخته شدن، دلیل دیگری مانع از اجرای آن شود.

○ 1-6-2- اجرای احکام داور بین‌المللی

اجرای رأی داور در نگاه اول، پدیده‌ای مشابه با اجرای احکام قضایی به نظر می‌رسد. سند قضایی که نقطه پایان بر دعوی می‌گذارد؛ حال، محکوم علیه یا به اختیار اقدام به اجرای حکم می‌کند یا توسط قوای عمومی مجبور بدین کار می‌شود. با این وصف دو تفاوت اساسی رأی داور را از حکم دادگاه متمایز می‌سازد: اولاً، در حالی که حکم دادگاه که از طرف دولت صادر شده، لازم‌الاجراست و همان‌گونه توسط قوای عمومی به اجرا در می‌آید، رأی داور حاصل کار یک یا چند شخص تابع حقوق خصوصی است و لذا سند خصوصی به حساب می‌آید که تنها پس از کنترل قضایی و اداری، به اجبار قابل اجراست و به عبارت دیگر، لازم‌الاجرا می‌گردد. ثانیاً، برخلاف حکم قطعی و غیر قابل اعتراض دادگاه، رأی قطعی داور، از آنجا که یک سند خصوصی به حساب می‌آید، همیشه در معرض درخواست ابطال در مقابل دادگاه‌های دولتی قرار دارد (جنیدی ۱۳۸۱: ۹۷) این دو تفاوت منشأ دو جریان رسیدگی قضایی است؛ یکی رسیدگی‌های مربوط به درخواست اجرای رأی داور که به صدور اجرایی یا رد آن منتهی می‌شود، و دیگری رسیدگی‌های مربوط به درخواست ابطال رأی که ممکن است به ابطال یا تأیید آن ختم شود (همان)

○ 1-7- مفاد نظم عمومی قابل اعمال در زمینه امتناع از اجرای رأی

در گستره مفاد نظم عمومی، مجموعه‌ای از هنجارها را می‌توان به شرح زیر مورد شناسایی قرار داد:

۱- قوانین الزام‌آور و قواعد انتظامی

می‌شود. در ماده سه کنوانسیون مزبور نیز مقرر شده است: «هر کشور متعاقد باید آرای داور را الزام‌آور بشناسد...» نه تنها در بند یک ماده یک و سه کنوانسیون بلکه در سراسر آن مانند بند سه ماده یک، بند یک ماده چهار و بندهای یک و دو از ماده پنج، مفهوم شناسایی در کنار اجرا ذکر شده است. تنها استثناء، ماده ۶ کنوانسیون است که بر اساس متن آن، فقط تصمیم به اجرای رأی (نه تصمیم به شناسایی رأی) در صورت در جریان بودن درخواست تعلیق یا ابطال آن در کشور مبدأ، قابل توقیف است. بدین ترتیب در موارد دیگر با مسأله شناسایی و اجرا بطور یکسان رفتار شده است (Van den Berg, Albert Jan, and Taxation Publishers, 1981, p. 243) ۵۴ کنوانسیون واشنگتن ۱۹۶۵ راجع به حل و فصل اختلافات سرمایه‌گذاری بین دولتها و اتباع دول دیگر، هر دولت متعاقد باید رأی صادره از مرکز را الزام‌آور بشناسد و تعهدات پولی تحمیل شده به وسیله آن رأی را مانند حکم نهایی دادگاه‌های همان کشور اجرا کند. به عقیده برخی نویسندگان، کنوانسیون واشنگتن ۱۹۶۵ قدمی جهت تمیز شناسایی به عنوان یک امر قهری، از اجرا - که قهری نمی‌باشد - در زمینه آرای داور مرکز حل اختلافات سرمایه‌گذاری، برداشته است (Giardina, Andrea, 1998, pp. 14-15) نمونه داور آنتیترال که سندی بسیار مهم در زمینه داور بین‌المللی است، خالی از لطف نخواهد بود: «رأی داور صرف نظر از کشوری که در قلمرو آن صادر شده، بایستی لازم‌الاجرا شناخته شود و در صورت تقاضای کتبی از دادگاه صلاحیتدار، با رعایت مفاد این ماده و ماده ۳۶ قانون حاضر، به مورد اجرا گذارده خواهد شد.» سپس در ماده ۳۶ اعلام می‌شود: «شناسایی یا اجرای رأی داور را، صرف نظر از کشور محل صدور، صرفاً در موارد زیر می‌توان رد کرد... علاوه بر آنچه در مورد لزوم شناسایی رأی داور در نظام قضایی ملی و همچنین وجود تمایز میان این مفهوم و اجرا گفته شد، توضیح این نکته نیز در راستای درک افتراق میان این دو موضوع بسیار مهم است؛ گاهی ممکن است رأی داور بین‌المللی در مراجع قضایی ملی معتبر شناخته شده، ولی در مقام تصمیم برای صدور دستور اجرا، با موانعی مواجه گردد. اما در صورت وحدت معنای این دو مفهوم،

۲- اصول کلی حقوقی

۳- نظم عمومی و اخلاق حسنه

۴- منافع ملی و روابط خارجی

نظم عمومی قرار دارد، می‌توان گفت، تمایزی که به موجب کنوانسیون نیویورک و قانون نمونه آنسیترال میان این دو ایجاد شده، در راستای شفافیت هر چه بیشتر بوده است (محمدی، ۱۴۰۱: ۸۳-۸۲)

○ نتیجه‌گیری

نظم عمومی را می‌توان مهم‌ترین معیار و مانع بر سر راه اجرای احکام داوری تجاری بین‌المللی دانست که با هدف حفظ ملاحظات اجتماعی، منافع عمومی و نظام حاکمیتی هر کشوری شکل گرفته است و از روح قوانین یک کشور قابل استنباط می‌باشد. به عبارت بهتر نظم عمومی هم پایه‌گذار تقنین و هم نتیجه و خروجی آن است. در تمام نظریه‌های ارائه شده در مورد مفهوم نظم عمومی، بر سر یک چیز وحدت نظر وجود دارد و آن ارتباط نظم عمومی با منافع عالی و مصالح بنیادین جامعه است. مبانی نظم عمومی بین‌المللی در داوری تجاری بین‌المللی شامل؛ اصول بنیادین، قواعد نظم عمومی و تعهدات بین‌المللی می‌باشد. هر چند تعهدات بین‌المللی و قواعد نظم عمومی، هر دو در نهایت به اصول بنیادین فرو کاسته می‌شوند. به عبارت دیگر همه‌ی مبانی نظم عمومی، در حقیقت چهره‌ای از اصول بنیادین می‌باشند. گستره نظم عمومی بین‌المللی در زمینه اجرای احکام داوری تجاری بین‌المللی دربردارنده بنیادی‌ترین مفاهیم عدالت و اخلاق در بعد شکلی و ماهوی می‌باشد که ضمانت اجرایش نیز بی‌اعتباری جبران‌ناپذیر رأی داوری است. معیار نظم عمومی به عنوان مانع اجرای رأی داوری، به نوعی مؤید حق دادگاه‌های کشور محل اجرا در اعمال کنترل قضائی و نهایی بر روند داوری است. در این میان از یک سو تمایلی برای معطوف ساختن حاکمیت کشور نسبت به اجرای آرای بی‌اعتباری که منجر به نقض ارزش‌ها و قوانین داخلی می‌شوند، وجود ندارد. از سوی دیگر تمایل به احترام نسبت به قطعیت آرای خارجی قرار دارد. از این رو قانون‌گذار و دادگاه باید به هر طریق تعارض موجود را حل نمایند. در راستای رفع این دوگانگی، برخی از قانون‌گذاران و دادگاه‌ها بر آن شده‌اند که مفهوم مضیق نظم عمومی را نسبت به آرای خارجی اعمال کنند. مفهوم مضیق نظم عمومی غالباً تحت عنوان نظم عمومی

برخی ممنوعیت‌های مربوط به نظم عمومی (مانند فساد، قاچاق) ممکن است در بیش از یک گروه از تقسیم‌بندی بالا قرار گیرد. در این گفتار به دنبال تشخیص قوانین و هنجارهایی هستیم که در گستره نظم عمومی گنجانده شده‌اند. نظم عمومی قابل اعمال در زمینه اجرای رأی داوری تجاری بین‌المللی (همان نظم عمومی بین‌المللی)، دربردارنده‌ی هر دو مقوله شکلی و ماهوی می‌باشد. به عنوان مثال دیوان عالی فرانسه در سال ۱۹۹۸ تأیید کرد که نظم عمومی بین‌المللی فرانسه ضرورتاً هر دو محور شکلی و ماهوی را مشتمل می‌شود. در زمینه محدود کردن مفهوم نظم عمومی و کاربرد معیار نظم عمومی بین‌المللی، دادگاه‌ها اهمیت قطعیت آراء را که خود جنبه‌ای از نظم عمومی است، به رسمیت شناخته‌اند. از آنجا که یک تفسیر بیش از حد گسترده از مفهوم نظم عمومی قطعیت داوری را نقض و به تبع آن اهداف داوری را مختل می‌کند، اصولاً معیار نظم عمومی به طور مضیق مورد تفسیر قرار می‌گیرد. دامنه نظم عمومی ممکن است تکامل یابد (البته بسیار به آرامی) معمولاً نظم عمومی قابل اعمال همان نظم مربوط به زمان شناسایی و اجرا می‌باشد. از این رو تصویب یک قانون انتظامی جدید پس از صدور رأی، نباید مانعی برای شناسایی و اجرا باشد. نظم عمومی (مندرج در قسمت (ب) بند (۲) ماده ۵ کنوانسیون نیویورک و همچنین در قسمت (دو) (ب) بند (۱) ماده ۳۶) به وضوح با مسئله عدم قابلیت دعوی در قسمت (الف) بند (۲) ماده ۵ و قسمت (یک) (ب) بند (۱) ماده ۳۶ مرتبط است، چرا که مقرر می‌دارد: شناسایی و اجرای رأی داوری خارجی ممکن است مورد امتناع واقع شود اگر: "موضوع اصلی اختلاف به موجب قانون آن کشور توسط داوری قابل حل و فصل نباشد." پروفیسور وان‌دنبیگ معتقد است که به‌طور کلی پذیرفته شده است که عدم قابلیت داوری بخشی از مفهوم کلی نظم عمومی است و به نظر می‌رسد قسمت الف بند ۲ ماده ۵ زائد می‌باشد. با وجود این که عدم قابلیت داوری در مفهوم کلی

بدین معنا که نباید از نظم عمومی به عنوان وسیله‌ی تحصیل منافع ملی و پیشبرد سیاست خارجی استفاده کرد و از تفسیر نظم عمومی به این شکل، می‌بایست خودداری نمود. چرا که برابر دانستن نظم عمومی با سیاست خارجی، موجب تضعیف کارآیی شیوه داورى به عنوان جایگزین دادخواهی قضایی می‌گردد.

در بررسی پرونده‌های موجود نیز دیده شد که تیرگی روابط دو کشور نمی‌تواند، تحت عنوان نظم عمومی مانعی بر سر راه اجرای رأی داورى تجاری بین‌المللی ایجاد کند.

در پایان می‌توان اذعان داشت که قریب به اکثر موارد عملی در زمینه مانع نظم عمومی و نظارت قضائی بر اجرای احکام داورى تجاری بین‌المللی، گرایش به اجرای هر چه بیشتر احکام داورى داشته است و موارد نادری ممانعت از اجرای حکم صورت گرفته است.

سپاسگزاری

از معاونت محترم پژوهشی به خاطر حمایت حمایت معنوی در اجرای پژوهش حاضر سپاسگزاری می‌شود.

از آقای دکتر عبدالله علیزاده به خاطر بازبینی متن مقاله و ارائه نظرهای ساختاری تشکر و قدردانی می‌شود.

از داوران محترم به خاطر ارائه نظرهای ساختاری و علمی سپاسگزاری می‌شود.

نگارندگان بر خود لازم می‌دانند از آقای دکتر محمد رسول آهنگران به خاطر مطالعه متن مقاله حاضر و ارائه نظرهای ارزشمند سپاسگزاری نمایند.

منابع

- منابع فارسی
- کتب
- 1- جنیدی، لعلیا (۱۳۸۱)، اجرای احکام داورى بازرگانی خارجی، نشر شهر دانش، تهران.
- 2- شمس، عبدالله (۱۳۸۵)، آیین دادرسی مدنی جلد سوم، چاپ هفتم، دراک، تهران.
- 3- الماسی، نجادعلی (۱۳۸۵)، حقوق بین‌الملل خصوصی، نشر میزان، تهران

بین‌المللی به کار می‌رود. در هیچ یک از کنوانسیون‌های بین‌المللی در زمینه اجرای احکام داورى و قانون نمونه آنسیترال، اشاره صریحی به نظم عمومی بین‌المللی صورت نگرفته است. قوانین مذکور به دنبال هماهنگ سازی معیار نظم عمومی با شناسایی و اجرا نبوده‌اند. صرفنظر از عبارت‌پردازی خاص قوانین ملی که اشاره متفاوتی به نظم عمومی بین‌المللی با توسل به هنجارهای ملی دارند، دادگاه‌های شماری از کشورها نیز اظهار داشته‌اند که مفهوم مضیق نظم عمومی را اعمال می‌کنند. تنها قانون متحدالشکل اوهادا برای هماهنگ سازی مفهوم نظم عمومی بین‌المللی در میان کشورهای عضو تلاش منحصر به فردی داشته است. دادگاه‌های بسیاری از کشورها به منظور کاهش اثرات منفی نظم عمومی در روند اجرای رأی، نظم عمومی بین‌المللی را در این رابطه مدنظر قرار می‌دهند.

می‌توان اذعان داشت که در میان تمامی مراجع و صاحب‌نظران فعال در عرصه اجرای آرای داورى تجاری بین‌المللی، اتفاق نظر وجود دارد بر سر این موضوع که نظم عمومی بین‌المللی دارای مفهوم مضیق‌تری از نظم عمومی داخلی است. در رویه عملی نیز کاربرد مفهوم نظم عمومی بین‌المللی توسط دادگاه‌های بسیاری از کشورها باعث کاهش ممانعت از اجرا و جانبداری هر چه بیشتر از اجرای حکم گردیده است.

دادگاه محل اجرای حکم در هر صورت در رابطه با اجرای احکام بین‌المللی، بایستی نظم عمومی بین‌المللی را اعمال کند و حتی یکسان بودن مقر داورى بین‌المللی با دادگاه اجرایی نمی‌تواند دلیل مناسبی برای اعمال نظم عمومی داخلی دادگاه اجرایی در این زمینه باشد.

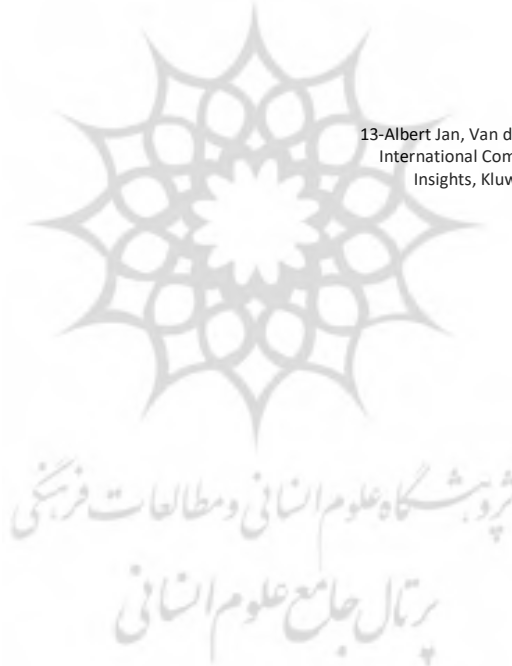
نکته قابل ذکر دیگر این است که تفکیک رأی داورى، زمانی که بخشی از آن در تعارض با نظم عمومی می‌باشد، مخالفتی با نظم عمومی نداشته و با اسناد بین‌المللی در این زمینه هم ناسازگار نمی‌باشد. وجود روابط تیره بین دو کشور، نباید مانع از اجرای عدالت، به نفع یکی از این دو، در نظام قضایی طرف دیگر گردد.



- 4- مهاجری، علی (۱۳۷۸). مبسوط در آیین دادرسی مدنی، تهران، انتشارات فکرسازان، چاپ اول، جلد چهارم.
- 5- نصیری، مرتضی (۱۳۷۰). حقوق چند ملیتی، نشر دانش امروز، تهران.
- 6- نه داوید (۱۳۷۵). «مفهوم و نقش داوری در بازار گانی بین المللی»، ترجمه دکتر سید حسین صفایی، حقوق بین الملل و داوری های بین المللی، چاپ اول، نشر میزان
- مقالات
- 7- افتخار جهرمی، گودرز (۱۳۷۲). «دیوان داوری دعاوی ایران-آمریکا»، مجله حقوقی بین المللی، شماره ۱۶ و ۱۷، تهران
- 8- پیرنشاهی، علی رضا (۱۳۹۰). «بررسی معیار نظم عمومی»، مجله حقوقی بین المللی، شماره ۴۴، تهران
- 9- کسجیان، کاترین (۱۳۸۷). «نظم عمومی در حقوق اروپا»، مترجم فیض الله جعفری، مجله حقوقی بین المللی، شماره ۳۸، تهران
- 10- مکرمی، علیمحمد (۱۳۷۵). «شناسایی و اجرای آراء داوریهای خارجی در حقوق ایران»، فصلنامه دیدگاههای حقوقی قضایی، شماره ۴، دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری، تهران
- پایان نامه ها
- 11- پنی هاشمی، پگاه (۱۳۸۹). «موانع شناسایی و اجرای آراء خارجی و بین المللی در ایران»، کارشناسی ارشد حقوق تجارت بین الملل، دانشگاه شهید بهشتی
- 12- محمدی، بهمن (۱۴۰۱). جایگاه نظم عمومی در اجرای احکام داوری تجاری بین المللی، پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی

منابع انگلیسی

- 13- Albert Jan, Van den Berg, "The Efficacy of Award in International Commercial Arbitration" in Arbitration Insights, Kluwer Law International, 2007, p.361.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

Scientific Journal of Modern
Jurisprudence and Law

Print ISSN: 2717- 1469
Online ISSN: 2717 - 1477

Profile in ISC, SID, Noormags,
Magiran, Ensani, GoogleScholar
www.jaml.ir
Second Year, Issue 10, Pages
152-173

The position of public order in the execution of arbitration rulings

International business

Ruhollah Afzali Assistant Professor, Faculty Member, Faculty of Humanities,
Islamic Azad University, Jiroft Branch, Kerman, Iran

Bahman Mohammadi Master of Private Law, Faculty of Humanities and Law, Islamic
Azad University, Tabriz Branch, Tabriz, Iran.

Abstract

Arbitration is the most common method of dispute resolution in the field of international trade and it consists of resolving the dispute between the litigants by handing it over to the arbitration of the persons chosen by the litigants by agreement, and it includes two stages of handling the dispute and recognizing and enforcing the decision.. But this goal becomes more complete when the decision is valid and enforceable. For this purpose, the decision issued by the international commercial arbitration authority needs to be recognized and enforced by the executing authority. In the meantime, there are obstacles on the way to the implementation of the decision, of which the criterion of public order is the most general and the most prominent, because usually the condemned against the arbitration decision is tried with the help of public order and by resorting to reasons and obstacles that are supported by the legislator and international documents and conventions. to refuse to recognize and implement the vote. International public order represents a set of organizations and legal rules that are inextricably linked with the foundations and principles of civilization of a country and inevitably take precedence over foreign laws. This order is not a common order among all countries, but it is a point of balance between the interests and general order of a country with the general order and interests of other nations and the needs of international trade. What is the position of public order in the implementation of international commercial arbitration rulings? There is a conflict between preventing the violation of domestic values and laws and the desire to respect the certainty of international arbitration rulings, and the most suitable solution to resolve this conflict is to apply the narrow concept of public order in this field. Of course, the court where the judgment is executed must apply the international public order in any case in relation to the execution of international judgments, and even the same seat of international arbitration as the executive court cannot be a good reason to apply the internal public order of the executive court in this field. Nevertheless, despite the importance of public order in the implementation of international commercial arbitration awards, all considerations related to the public order of countries cannot be applied in the implementation of international commercial arbitration awards, and only the international public order of the relevant country is applied with a narrow interpretation.

Keywords: international commercial arbitration, award enforcement, international public order, enforcement of international arbitration awards.

JEL Classification: Jurisprudence - Law - Criminal and Criminology - International Law - Private Law